

سکنی گزیدن
باستان‌شناسی، هایدگر و فناپذیری

فیلیپ تونر

ترجمه علیرضا یزدانی سنگری



انتشارات آریامنا



انتشارات آریارمنا

سکنی گزیدن

باستان‌شناسی، هایدگر و فناپذیری

| فیلیپ تونر | ترجمه علیرضا یزدانی سنگری

| چاپ و صحافی: مهرگان |

| نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۰ | شمارگان: ۱۰۰ نسخه | بها: ۹۰۰۰۰ تومان |

| تارگما: www.aryaramna.ir |

| نامه‌نگار: info@aryaramna.ir, aryaramna@yahoo.com |

| نشانی: تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵ | همراه: ۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶ |

| انتشارات آریارمنا و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |

| همه حقوق این اثر برای انتشارات آریارمنا و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن و محفوظ است.

| تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت،

انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی

و قبلی انتشارات آریارمنا ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان،

مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت. |



Tonner, Philip, 1979-

سکنی گزیدن، فیلیپ، ۱۹۷۹: سکنی گزیدن باستان‌شناسی، هایدگر و فناپذیری؛ فیلیپ تونر؛ ترجمه علیرضا

یزدانی سنگری.

تهران: آریارمنا: گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن، ۱۴۰۰.

ص: ۳۰۸، ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.

978-622-97183-5-3

فیلپا

Dwelling : Heidegger, archaeology, mortality, 2017.

عنوان اصلی:

واژه‌نامه.

کتابنامه: ص. ۲۸۵.

نمایه.

هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹ - ۱۹۷۶م. -- دیدگاه درباره باستان‌شناسی

Heidegger, Martin -- Views on archaeology

هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹-۱۹۷۶م. -- دیدگاه درباره پدیده‌شناسی

Heidegger, Martin-- Views on phenomenology

باستان‌شناسی

Archaeology

پدیده‌شناسی

Phenomenology

یزدانی سنگری، علیرضا، ۱۳۷۰، مترجم

گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن

B32279

۱۹۳:

۸۴۲۷۹۴۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیلپا

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیلپا

فهرست

۹	فهرست شکل ها
۱۰	فهرست جدول ها
۱۱	سخن مترجم
۱۶	سخن نگارنده
۱۹	۱. درآمد
۵۱	۲. هایدگر و دیدگاه سکنی گزیدن
۵۵	باستان شناسی نو
۵۷	برخی از باستان شناسی های اخیر
۵۹	هایدگر و سه باستان شناس پدیدارشناس: تیلی، گاسدن و توهاپس
۸۲	پدیدارشناسی، باستان شناسی و [کتاب] گمبل با عنوان جوامع پارینه سنگی اروپا
۱۰۱	۳. خاستگاه ها
۱۰۳	سکنی گزیدن
۱۱۳	باستان شناسی تفسیری
۱۱۸	اذهان
۱۲۵	فعالیت های تدفینی در دیدگاه تطوری
۱۴۹	۴. سکنی گزیدن و فناپذیری
۱۷۳	هایدگر، پدیدارشناسی و «دازاین بدوی»
۱۹۲	۵. مدرنیته، سکنی گزیدن و باستان شناسی پدیدارشناختی
۱۹۶	سیمادلوس هوسوز در مقام دگر مکان

تقدیم به پدر و مادرم که آتش جانشان
همواره رهگشای مسیرم بوده و هست.

سخن مترجم

عشق می‌ورزم و امید که این فن شریف
چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود
(حافظ)

سپاس و ستایش سزاست مر خدای را عزوجل که به چراغ عقل راه را بر پویندگان راستی هموار
و قلب جوشانشان را بر فهم و دریافت آن گشوده. خرسندم که به لطف ایزد متعال کتابی چنین
ترجمان افتاد. خویشتن را چنان نمی‌بینم که از برای اهل دانش سیاه‌های بنگارم، لاجرم مایه
مباهات است که در مقام شاگردی خُرد سخنی هر چند الکن بر این دفتر برانم. آرکنولوژی که از
آن به‌عنوان باستان‌شناسی یاد می‌کنند از آن دانش‌های نوپدید اما سرکش است؛ چراکه در مدتی
کوتاه نسبت به سایر علوم و با بهره‌گیری از آن‌ها چنان بر سپهر دانش تاخته که اکنون باید
بپذیریم که برکامه پیچیدگی و ابهامش دانشی انکارناپذیر است. از آن‌رو می‌گویم آرکنولوژی که
باستان‌شناسی را به نحوی تام برابر با آن نمی‌یابم از آن‌رو اگر این واژه آمیغی از آرخه (ἀρχή) و
لوگوس (λόγος) باشد، پس آرکنولوژی دانش بُن‌سوترین‌هاست و خواستار اصیل و بنیاد
پدیدارها چرا که آرخه همان ماده‌المواد یا اصل نخستینی است که از گذشته‌های دور، از زمان
پیشاسقراطیان کسانی همچون طالس، آناکسیمندر و... به دنبال یافتن آن بودند. نمی‌توان گفت
که واژه باستان‌شناسی بایسته بازنگری است چراکه در فرهنگ ما ریشه دوانیده و فرضی چنین
مُحال به نظر می‌رسد؛ اما باید کمینه در معنای آن بازنگریست. آرکنولوژی فراگیرنده‌تر از
باستان‌شناسی است و می‌توان گفت که نسبت به آن از عموم و خصوص مطلق برخوردار است.

بنابر آنچه گفته شد می‌توان فهمید که باستان‌شناسی دانش برآمدگاه‌ها است. چنین دانشی که با کلنگ خود ژرفسار هستی را می‌کاود نباید زبون و الکن خوانده شود چراکه به‌راستی دعوی‌ای بس سترگ دارد و هنوز در نوباوگی بسر می‌برد.

مگر چنین دانشی بدون نظریه و اسلوبی مشخص، امکان‌پذیر است؟ اگر باستان‌شناسی صرفاً کاویدن و انباشت آثار باشد پس این کار از هر کسی برمی‌آید. چنانچه پژوهشی هم بر بنیاد بی‌بنیادی شکل بگیرد به‌راستی که شالوده آن خواهد پریشید و جز سیاهه‌ای از آن باقی نخواهد ماند. به‌کارگیری نظریه در کنار عمل، نیکی‌های بسیاری به همراه دارد چراکه نه تنها به پژوهشگر جهت می‌دهد تا به نحوی از انحنای روی‌آوری با پدیدار مواجه شوند، راه را برای دیگران نیز می‌گشاید تا به انحنای دیگر با پدیدار روبه‌رو شوند و این کار بر غنای توصیف و تحلیل شواهد باستان‌شناسی در مقام پدیدار می‌افزاید.

می‌خواهم با جمله‌ای کوتاه از هایدگر به ادامه سخن بپردازم. «علم فکر نمی‌کند»^۱. این سخنی است که هایدگر در کتاب چه باشد آنچه خوانندش تفکر بیان می‌کند؛ سخنی که خود آن را زننده و موهن خطاب می‌کند. شاید بر اهل علم این سخن سنگین افتد. چراکه اگر علم فکر نمی‌کند پس چه می‌کند؟ بر آن نیم که به بحث درباره این سخن بپردازم چراکه جستار ما در این مقام پرداختن به این سخن نیست. مراد از اشاره به این سخن تبیین جایگاه باستان‌شناسی در مقام نظریه و عمل است. شاید بتوانیم به هایدگر بگویم که از برای چنین سخنی مثال نقضی وجود دارد و آن مثال نقض دقیقاً باستان‌شناسی است. باستان‌شناسی هم به خود پرداخت و هم تفکر کرد. اگر فیلسوف-باستان‌شناسانی چون جورج رابین کالینگود که هم فیلسوف و هم باستان‌شناس بودند را سوا در نظر بگیریم باید بگویم که هیچ فیلسوفی به‌طور جد به باستان‌شناسی نپرداخت و این خود باستان‌شناسان بودند که اندیشیدند و از برای دانش خود به پی‌افکندن شالوده نظری دست یازیدند. اگرچه نمی‌توان گفت که این نظریه‌ها به نحو تام برآمده از خود باستان‌شناسی‌اند لیک پژوهش، بررسی و به کار بردنشان به نحوی کار بست‌پذیر در باستان‌شناسی، خود کاری است بس سترگ و باستان‌شناسی در این راه نه تنها

۱. هایدگر، مارتین، چه باشد آنچه خوانندش تفکر، ترجمه سیاوش جمادی، انتشارات ققنوس، ص ۸۱

از بسیاری علوم بهره برد، خود بر آن‌ها نیز تأثیر گذاشت و حتی در پاره‌ای از موارد بر گزاره‌هایشان صحه نهاد، و یا مواردی را مردود شمرد.

اگر پرسش از بن‌سوترین‌ها را همچون سکه‌ای در نظر بگیریم که یک روی آن فلسفه است، به‌راستی می‌توان بر روی دیگر آن نام باستان‌شناسی را نقش زد چراکه پرسش‌های باستان‌شناسانه از زمره فلسفی‌ترین پرسش‌هاست و به‌قول خود هایدگر «پرسش راه گشا و راه ساز است»^۱. از اولین کلنگی که به‌قصد باستان‌شناسی و واکاوی گذشته بر زمین خورد تا به امروز، به سبب افزایش تجربه و سامان‌مندتر شدن این رشته پرسش‌های باستان‌شناسانه ژرف‌تر و فلسفی‌تر شدند. به کوشش جمعی از باستان‌شناسان در سراسر جهان، باستان‌شناسی اکنون از جایگاه نظری مطلوب اما ناپسندیده برخوردار است و این مسیر با تلاش و کوشش فراوان روز به روز پریارتر می‌گردد.

درست است که باستان‌شناسی ره‌آورد علوم غربی و به‌نوعی دانشی وارداتی است اما دریغا که در ایران بسیار اندک به معنای و مبادی آن پرداخته‌شده است. تنها افرادی انگشت‌شمار به این‌گونه جستارها در باستان‌شناسی ایران پرداخته‌اند که به سبب همین اندک بودگی‌شان برای تمام باستان‌شناسان و دانشجویان رشته باستان‌شناسی آشنایند. امروزه باستان‌شناسی دانشی بسیار گسترده، فراگیر و میان‌رشته‌ای است و از حوزه‌های متعددی برخوردار است و لزوم آشنایی دانشجویان و پویندگان راه این دانش با این حوزه‌ها احساس می‌شود چراکه ماده‌بی‌جان برآمده از دل تاریخ بدون فهم صحیح نمی‌تواند درست خوانش شود و درنهایت خاموش و الکن باقی می‌ماند و از خود سخن نمی‌گوید.

کتاب حاضر چنان‌که از نامش پیداست در جستجوی پیوندی میان باستان‌شناسی و سنت پدیدارشناسی در فلسفه به‌ویژه اندیشه‌های مارتین هایدگر فیلسوف پرآوازه آلمانی است. پیوند باستان‌شناسی و پدیدارشناسی که از آن به‌عنوان باستان‌شناسی پدیدارشناختی^۲ یاد می‌کنند از جمله حوزه‌های بسیار نوین و جوان در میان سایر حوزه‌های شناختی باستان‌شناسی است. نقش و جایگاه هایدگر در فلسفه و اونتولوژی قرن بیستم و پس از آن بر اهل خرد پوشیده نیست

1. Heidegger, Martin, *The question concerning technology, and other essays*, Translated and with an Introduction by William Lovitt, Harper & Row, New York & London, 1977, pp. 3

2. Phenomenological archaeology

و کسانی که در این مسیر گام نهاده‌اند میدانند که دنیای فلسفه تا چه حد وامدار اندیشه هایدگر است. لیک هیچ اندیشه‌ای هم کامل و بی‌کاستی نیست؛ و این وظیفه خواننده آگاه و دانا است، که بدون تعصب و جزم‌اندیشی ناشی از مطالعه سطحی چند کتاب و مقاله، با یک اثر مواجه شود.

نگارنده اثر حاضر از دانش‌آموختگان رشته فلسفه در دانشگاه گلاسکو و رشته باستان‌شناسی در دانشگاه آکسفورد بوده و همچنین از آگوست ۲۰۱۹ در دانشگاه گلاسکو مشغول به تدریس است. در این اثر نگارنده با استفاده از فلسفه پدیدارشناسی به‌خصوص اندیشه‌های هایدگر به تبیین شواهد باستان‌شناسی می‌پردازد و حتی در این راه تلاش می‌کند تا با استفاده از شواهد باستان‌شناسی فراتر از این اندیشه‌ها سیر کند و بدین ترتیب اندیشه‌های وی را پیرایش کرده و گسترش دهد. در این باره می‌توان به‌عنوان مثال به ابداع و کاربرد اصطلاح «پارینه-دازاین» در این اثر اشاره کرد که نگارنده با استفاده از آن سعی در بسط و گسترش برخی از خصوصیات انسانی مدرن، به اجداد پیشا انسانی‌ها را دارد. به نظر مترجم ممکن است که فهم چنین اثری برای باستان‌شناسان اندکی دشوار باشد چرا که فهم درست از این کتاب مستلزم آشنایی کافی با سنت پدیدارشناسی در فلسفه به‌ویژه آثار ادموند هوسرل، هارتن هایدگر، مورس مرلو-پونتی و همچنین پساساختارگرایی همچون میشل فوکو است. اما مترجم امیدوار است که ترجمه چنین اثری موجبات علاقه به مبانی نظری و معرفت‌شناختی و همچنین تاریخ اندیشه در باستان‌شناسی را فراهم سازد. به‌راستی که این اثر نمونه‌ای عالی و قابل‌توجه از یک کار میان‌رشته‌ای و تلفیقی میان باستان‌شناسی و فلسفه است که خوانندگان می‌توانند به‌وضوح تعامل میان این دو رشته را در متن کتاب مشاهده نمایند. از طرفی مترجم معتقد است که ترجمه این کتاب ارزنده نه تنها بر باستان‌شناسی بلکه بر سایر رشته‌های علوم انسانی همچون، تاریخ، فلسفه، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز تأثیرگذار خواهد بود.

شکی نیست که مسئله مرگ از آنجا که همواره فراپیش انسان و واقعیتی انکارناپذیر بوده در دستگاه‌های فکری گوناگونی مورد بحث قرار گرفته است. این مسئله صرفاً مختص پدیدارشناسی و رویکردهای اگزیستانسیال نبوده و این رویکردها حقیقت مطلق در این باره را بیان نمی‌کنند. در کنار مرگ و فناپذیری اگزیستانسیال، آموزه‌ها و اندیشه‌هایی نیز وجود دارند که خبر از حیات پسامرگ انسان و جهان آخرت می‌دهند که در رأس‌شان اندیشه‌های دینی به‌ویژه ادیان الهی

است. بی شک برخی از آموزه‌ها و آندیشه‌های نویسنده همچون فناپذیری انسان و رویکرد منفی به دین نادرست است و با نقدهای جدی روبه‌رو است.

سزااست که در این مقام مراتب سپاس و قدردانی خود را بیان کنم. ابتدا باید از دو اندیشمند و استاد حوزه فلسفه سپاسگزاری کنم چراکه اگرچه به نحو غیرمستقیم اما به‌رحال بر گردن حقیر حق استادی دارند: جناب دکتر عبدالکریم رشیدیان که با ترجمه‌های بسیار شیوا و عمیق‌شان بخش بزرگی از تهیگی متون پدیدارشناسی را برطرف کردند، و جناب سیاوش جمادی که از ترجمه کتاب هستی و زمان هایدگر ایشان بهره‌ها بردم. به‌جاست که از دو دوست عزیزم علی رستمی و محمد فیض‌آبادی نیز کمال قدردانی و تشکر را به جا آورم چرا که در طول فرایند ترجمه همواره مشوق و پشتیبان من بودند. همچنین سزااست که از جناب شاهین آریامنش و انتشارات خوبشان سپاسگزاری کنم چرا که در مقام ناشر تخصصی متون باستان‌شناسی، با تمام مشکلات پیش‌روی چاپ و انتشار یک کتاب، دلسوزانه در میدان ایستاده‌اند و امید است که سایر باستان‌شناسان قدر و جایگاه چنین انتشاراتی را دانسته و از آن حمایت کنند.

در پایان هم از تمامی بزرگان و فرهیختگان راه‌دانش به سبب ایرادات محتمل و ممکن در این ترجمه پوزش می‌طلبم.

علیرضا یزدانی سنگری